

26 words per day

Day 35

Word	Meaning
A bsolutely	مطلقا، كاملا
B asically	به طور اساسی
C arrot	هویج، زردک، موی قرمز
D are	یارا بودن، جرات کردن، شهامت
E lsewhere	در جای دیگر، به جای دیگر
F arming	کشاورزی، زراعت، مزرعه‌داری
G enerally	به طور کلی، عموما، معمولا
H andle	دسته، قبضه، به کار بردن، دست زدن
I deally	در حالت ایده‌آل، مطابق آرزو
J	
K	
L ayer	چینه، لایه، ورقه، طبقه‌بندی کردن
M arriage	ازدواج، عروسی، نکاح، زناشویی
N orthern	شمالی، ساکن شمال، باد شمالی
O ffice	دفتر کار، اداره، محل کار، مقام
P assage	پاساژ، عبور، گذر، گذرگاه، حق عبور
Q	
R egional	منطقه‌ای
S ing	آواز، سرود، سرودن، آواز خواندن
T hick	کلفت، ستبر، ضخیم، غلیظ، انبوه
U nderneath	در زیر، زیرین، پایینی، زیر بودن
V ertical	عمودی، شاقولی، تارکی، واقع در نوک
W ait	صبر کردن، چشم به راه بودن، معطلی
X	
Y	
Z	